



دوفصلنامه تاریخ علوم و فناوری دوره اسلامی
سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹
شماره پیاپی: ۱۷

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
مدیر مسئول: اکبر ایرانی
سردبیر: محمد باقری
مدیر داخلی: زینب کریمیان
ویراستار: پویان رضوانی
اجرای جلد: محمود خانی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

همکاران علمی

حسن امینی * حمید بهلول * پویان رضوانی * حنیف قلندری * یونس کرامتی * امیرمحمد گمینی
شمامه محمدی فر * یونس مهدوی * سجاد نیکفهم خوب روان

مشاوران علمی

پرویز اذکائی * یوسف ثبوتی * توفیق حیدرزاده
محمدابراهیم ذاکر * حسن طارمی * حمیدرضا گیاهی یزدی
مهدی محقق * حسین معصومی همدانی * محمدجواد ناطق * سیدحسین نصر
علی بابایف (جمهوری آذربایجان) * جان لنارت برگرن (کانادا) * گلن وان بروملن (کانادا) * احمد جبار (فرانسه)
سرگی دمیدوف (روسیه) * رشدی راشد (فرانسه) * جمیل رجب (کانادا) * سری رامولا سارما (آلمان) * ژاک سزبانو (سوئیس)
جورج صلیبا (امریکا) * حکیم سید ظل الرحمان (هند) * رادا چاران گویتا (هند) * ریچارد لورج (انگلستان)
مصطفی موالدی (سوریه) * یان پیتر هوشندایک (هلند) * میچیو یانو (ژاپن)

تصویر پشت جلد: نقش هندسی چارترنج در آرامگاه هارون ولایت (اصفهان) (عکس از: هادی ملکیان)

نشانی مجله: تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه چهارم، شماره ۱۶
کد پستی: ۹۳۵۱۹-۱۳۱۵۶ تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲ دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir
miraselmi@mirasmaktoob.ir / miraselmi90@gmail.com

بها: ۴۰۰۰۰۰ تومان



فهرست

۱ | سرسخن

مقاله

- ۳ منابع و مأخذ رساله فارسی لب الحساب
نرگس عصارزادگان
- ۳۱ معمای تاریخ مبدأ تقویم جلالی
حمیدرضا گیاهی یزدی، ترجمه هاشم سیماپ
- ۵۰ تاریخچه نام روزهای هفته و تعطیل پایان هفته
علی نقی منزوی
- ۵۹ کاردانو چه کرد که خیام نکرد؟
امیر اصغری
- ۷۴ نقش هندسی چارترنج
محمد باقری
- ۸۴ بررسی محتوای رساله مجموع المربعات محمد باقر یزدی
زهرا پورنجف
- ۹۹ علوم غریبه در دوره صفویه
متیو ملوین-کوشکی، ترجمه حمید بهلول
- ۱۱۵ آثار ایلهارد ویدمان در حوزه علوم و فناوری دوره اسلامی
انوشه هادزاد

یادداشت‌های تاریخی

- ۱۲۶ بررسی موضوعات بی‌ارزش
اتو نویگه باوئر، ترجمه حمید بهلول

یادنامه‌ها

- ۱۲۸ به یاد پاول کونیچ (۱۹۳۰-۲۰۲۰م)
بنو وان دالن، ترجمه حنیف قلندری
- ۱۳۸ خاطره‌هایی از پاول کونیچ
ریچارد لورچ، ترجمه مهسا راقب

رساله

- ۱۴۰ رساله اعمال الغریبه در شیمی
محمد رضا عرشی



علوم غریبه در دوره صفویه^۱

متیو ملوین - کوشکی^۲

ترجمه حمید بهلول^۳

حمایت شاهان از علوم غریبه در جهان فارسی زبان^۴ در دوره پس از مغول به یکباره افزایش یافت و این جریان مقدم بر تحولات مشابه در اروپای دوره نوزایی بود. این حمایت به طور خاص در پی رونق گرفتن علوم غریبه در میان علمای بزرگ در قلب سرزمین‌های اسلامی از میانه قرن هشتم هجری به بعد بود. جذابیت این علوم سبب شد تا فرمانروایان مملوک، تیموری و آق‌قویونلو عالمان علوم غریبه را غالباً در سمت‌هایی چون سیاست‌گذار و نظریه‌پرداز برای پشتیبانی از دعاوی سلطنتی خود به کار گیرند. این حکومت‌ها در قرن نهم، و سلسله‌های صفوی، عثمانی و گورکانی در قرن‌های آتی، سنت حمایت از علوم غریبه را که پشتوانه عقیدتی بسیار مهمی برایشان فراهم می‌کرد، ادامه دادند و در واقع، این سنت در آستانه هزاره اسلام که اوج موعودگرایی سلطنتی بود، بسط یافت.

علی‌رغم اثبات‌گرایی علمی پسا روشنگری، این حمایت گسترده که قرن‌ها ادامه داشت به سادگی تبیین می‌شود. به ادعای بسیاری از کتب آموزشی علوم غریبه که برای نخستین حاکمان بزرگ ترک و مغول ایران و اسلام تألیف شده، علوم غریبه که از قرن سوم به بعد به عنوان زیرمجموعه خاصی از علوم عقلی طبقه‌بندی می‌شد، امکان می‌داد تا در زمان و مکان دخل و تصرف کنند. بدین ترتیب حاکمان و دبیران می‌توانستند به مدد این علم بر سرنوشت سیاسی و مادی خود احاطه داشته باشند و این حقیقتاً رؤیایی مسحور کننده برای حکومت‌ها بود.

این علوم را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد: دسته نخست، پیشگویانه یا غیب‌گویانه که با زمان

۱. این مقاله ترجمه‌ایست از:

Melvin-Koushki, Matthew. "I. The Occult Sciences in Safavid Iran" In *The Empires of the Near East and India* edited by Hani Khafipour, pp. 348-365. New York Chichester, West Sussex: Columbia University Press, 2019.

۲. دانشیار تاریخ اسلام در دانشگاه کارولینای جنوبی، mmelvink@sc.edu

۳. پژوهشگر تاریخ علم مؤسسه ماکس پلانک (برلین)، bhamid@mpiwg-berlin.mpg.de

۴. Persianate world. منظور جوامعی است که در آن زبان فارسی نقش میانجی را ایفا می‌کرده است که بخش‌های وسیعی از شبه قاره هند، آسیای میانه، کل فلات ایران و بخش‌هایی از آناتولی را دربر می‌گرفته است. م

مرتبط بودند و قسم دیگر، جادویی یا اعمال سحری که با مکان در ارتباط بودند - یعنی یکی با قلمرو ذهن و دیگری با قلمرو ماده پیوند داشت. دسته اول شامل احکام نجوم، رمل و جفر بود که در جهان فارسی زبان دوره پس از مغول غالباً جزو علوم ریاضی کاربردی به حساب می‌آمدند. دسته دوم کیمیا، سیمیا و به ویژه طلسمات را دربر می‌گرفت که هم از سنخ ریاضیات و هم از سنخ طبیعیات بودند. از طرفی، از قرن هفتم هجری به بعد، علوم غریبه دانشی بود که در دوره‌های صفوی، عثمانی و گورکانی به تدریج رنگ دینی به خود گرفت. اما مرزهای شناختی بخش‌های عقلی و شرعی این علوم در موارد بسیاری روشن نبود. از همین رو دو صفت عقلی و شرعی معمولاً با هم برای علوم غریبه به کار می‌رفت. باید از آینده مطلع بود (پیشگویی) تا بتوان، مخصوصاً از لحاظ نظامی، در آن تصرف کرد (سحر) و توانایی تغییر آینده را باید داشت تا در ادعای فرمانروایی هزاره کامیاب شد.

ایران دوره صفوی: علم حروف

این بخش به مطالعه موردی «علم حروف»^۱ می‌پردازد در همان معنایی که در ایران دوره صفوی به کار می‌رفت و مورد حمایت بود. علم حروف که کاربردهای فراطبیعی، ریاضی و فیزیکی گسترده‌ای برای آن قائل بودند، تا قرن دهم، در کنار «علم اولیاء» جزو عالی‌ترین علوم بود. علم حروف همزاد عربی کابالا یا قبالة عبری بود و از صور ابتدایی سیمیا و جفر به کمک حروف تا شکل‌های پیشرفته و عالی تأملات کیهان‌شناختی را دربر می‌گرفت. این وسعت حوزه معرفتی به علم حروف محبوبیت زیادی بخشید و آن را به مهم‌ترین جریان فکری تبدیل کرد به گونه‌ای که در میان نخبگان علمی و حاکمان اوایل دوره تجدد، از آناتولی تا هند، فراگیر شد. صفویان هم از این قاعده مستثنی نبودند. اما ظاهراً حمایت آن‌ها از علوم غریبه به طور کلی و علم حروف به طور خاص، تا حدودی کمتر از حمایت رقبای عثمانی و گورکانی‌شان در غرب و شرق ایران بوده است. هر دوی این امپراتوری‌ها به یک اندازه خود را موعودگرا نشان می‌دادند، اما بر سرزمین‌هایی ثروتمندتر و بسیار پرجمعیت‌تر و چندنژادی‌تر از ایران حکمرانی می‌کردند. گزارش منابع حاکی از ارتباط تعدادی از علمای علم حروف، رمال، احکامی و کیمیاگر مشهور با دربار صفوی است. از همه مهمتر این که ایران دوره صفوی به طور کل و شیراز به طور خاص، کانون علوم غریبه در دنیای فارسی زبان بود. مهاجرت علما در قرنهای دهم و یازدهم، به خاطر

۱. به مجموعه مباحث باطنی و سری درباره خواص جادویی حروف و اسماء «علم حروف» اطلاق می‌شود. برای اطلاعات بیشتر در مورد علم حروف به دو مدخل «حروف، علم» در دانشنامه جهان اسلام (ج ۱۳، ص ۷۰-۷۴) نوشته مصطفی ذاکری و «حروف، اسرار» در دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (ج ۲۰، ص ۳۵۹-۳۷۴) نوشته پرویز ادکایی مراجعه شود. م

ناپایداری ناشی از فعالیت قزلباش‌ها و آزار و اذیت نقطویان، باعث شد که حدود نیمی از عالمان علوم غریبه شاغل در عثمانی، گورکانی و دربارهای کم‌اهمیت‌تر همسایه ایران، در اصل اهل شیراز یا تربیت‌شده آن ناحیه باشند.

از میان این عالمان، محمود دهدار شیرازی (شکوفایی در ۹۸۳ق)، متخلص به «عیانی»، را برای نمونه انتخاب کرده‌ام. او پرکارترین نویسنده ایرانی در زمینه علم حروف در قرن دهم بود و مهم‌تر اینکه این درباری جاه‌طلب، استاد علوم غریبه شیخ الاسلام بسیار تأثیرگذار دوره صفوی، شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ق) بود که بعدها معمار اصلی فرهنگ جدید شیعی در حکومت صفوی شد. خانواده دهدار که در قرن دهم خاندان علمی برجسته‌ای بودند، ظاهراً خودشان را به خوبی با روی کار آمدن صفویان وفق داده بودند. پدر محمود، شمس‌الدین خفری (د ۹۴۲ق) فیلسوف و منجم معروف، بود که رابطه نزدیکی با شاه اسماعیل اول (۸۹۲-۹۳۰ق) داشت و پسر محمود، محمد دهدار شیرازی (د ۱۰۱۶ق) بود که به هند رفت. او شاگرد میرفتح الله شیرازی (د ۹۹۷ق) بود که خود عالمی جامع الاطراف و مشهور در علوم غریبه و مؤلف آثار فلسفی و عرفانی بسیار معروفی بود. علاوه بر استادی شیخ بهایی، شاهد دیگر برای نشان دادن ارتباط محمود دهدار با دربار صفوی این است که او شاگرد و همکار شیخ ابوالقاسم محمد آقا امری شیرازی (د ۹۹۹ق) بوده است که سی سال شاعر دربار شاه طهماسب اول (حکومت ۹۳۰-۹۸۴ق) بود. محمود دهدار شیرازی سه اثر به پسر شاه طهماسب اول، یعنی شاه اسماعیل دوم (حکومت ۹۸۴-۹۸۵ق)، که حکومتی جنجالی و کوتاه داشت، اهدا کرد. دهدار در این آثار شاه اسماعیل دوم را فرمانروای هزاره، در معنای علوم غریبه‌ای آن، می‌خواند. در مقدمه اثر اولش به نام زبده الاسرار، که پیش‌بینی حوادث تا سال ۱۰۰۰ قمری را نیز شامل می‌شود، او می‌کوشد تا بر مبنای علم حروف، از حیث وجودی، شاه اسماعیل اول و دوم را با حضرت علی^(ع) تطبیق دهد. موضوعی که نقشی محوری در تبلیغات سلطنتی در سال‌های ابتدایی صفویه داشت. دومین اثر او با عنوان صفة النفوس فی توحید القدوس با ستایش از پیامبر^(ص)، حضرت علی^(ع) و شاه اسماعیل دوم شروع می‌شود. سومین اثر حل الرموز نام دارد که شرحی بر یک اثر مرجع در زمینه علم حروف از قرن هفتم است. دهدار این اثر را برای یکی از همکاران شناخته شده اهل موصل خود که مدتی در اصفهان ساکن بوده، نگاشته است. وی در این اثر تا حدی رأی مبتنی بر علم حروف خود و پیش‌بینی‌های عرضه شده در زبده الاسرار تجدید نظر کرد و با فراتر رفتن از آن ظهور قریب‌الوقوع حضرت مهدی^(ع) را در آستانه سال ۱۰۰۰ق خبر داد.

به‌طور کلی در آثار محمود دهدار شیرازی حال‌وهوای شیعی غلبه دارد که این ویژگی برای جلب حمایت نخبگان صفوی لازم بود. او بر منزلت علم حروف به عنوان عالی‌ترین علم امام تأکید می‌کرد و از همین رو این علم را بهترین راه برای تمسک به ولایت ائمه می‌شمرد. این پیوند البته به دوران آغاز

تشیع بازمی‌گردد که در اینجا در قالبی کاملاً مبتنی بر علوم غریبه بازنویسی شده است. جالب‌تر اینکه محمود تأکید می‌کند اولین دستورالعمل حروفی-وقفی جامع بر اساس اسامی چهارده معصوم^(ع) را او عرضه کرده است. به طور خلاصه، محمود دهدار شیرازی مانند همتایان نامدارترش، نقش مهمی در بوجود آوردن فرهنگ جدید شیعی در دوره صفویه، در نیمه دوم سده دهم، ایفا کرد.

محمود دهدار دست‌کم نوزده اثر تألیف کرده که همگی در حوزه کاربرد علم حروف و موضوعات مربوط به آن است. تقریباً همه این آثار به زبان فارسی هستند. مهم‌ترین این آثار مفتاح المغالیق است که کتاب نسبتاً مفصلی درباره روش کاربرد سیمیا و جفر است. این اثر به شمس المعارف الکبری که کتابی معروف در سحر از صوفی و ساحر الجزایری، احمد بونی (د میان ۶۲۲ و ۶۳۰ق) است، بی‌شبهت نیست و نویسندگان بارها به آن استناد می‌کنند. ظاهراً از قرن دهم به بعد کتاب سحر محمود دهدار بسیار مورد توجه و استفاده بوده است و هنوز هم به سادگی در بازارهای ایران پیدا می‌شود و تصاویرش هم به رایگان در اینترنت موجود است. دیگر آثار معروف او عبارتند از زبدة الالواح در سیمیا و جفر که حاوی دعای حروفی-وقفی چهارده معصوم بود و زبدة الاسرار که درباره سیمیای نجومی، به خصوص عزائمی با نام سیارات بود.

اما به دلیل حذف آثار علوم غریبه از پژوهش‌های تاریخ فکری، سیاسی و فرهنگی ابتدای عصر مدرن در سرزمین‌های اسلامی، تا به حال نه آراء این عالم علوم غریبه متنفذ اهل شیراز بررسی شده و نه متن مصحح هیچ یک از آثارش منتشر شده است. به منظور نشان دادن گستره تألیفات، شیوه بحث و مدح یک عالم علوم غریبه درباری متعارف در قرن دهم، گزیده‌های کوتاهی از سه اثر محمود دهدار را از نسخه‌های خطی برجای مانده یا چاپ سنگی آن‌ها نقل می‌کنیم.

مفاتیح المغالیق

مفاتیح المغالیق اثر اصلی محمود دهدار درباره جنبه‌های مختلف کاربردهای علم حروف است و چنان که از یک جستجوی مقدماتی برمی‌آید از این اثر تنها در ایران حدود ۲۸ دست‌نویس کامل و چهار نسخه حاوی گزیده‌هایی از آن برجای مانده است. محبوبیت این اثر هم تا به امروز بی‌وقفه ادامه داشته است. نویسندگان در مقدمه این اثر می‌گویند که تألیف آن در ۹۷۶ق به پایان رسیده است. او محدوده بحثش را به صورت زیر شرح می‌دهد:

«غرض از تحریر این کتاب آنکه این کمینه بی‌مقدار ابن محمد محمود دهدار المتخلص به عیانی گاهی مجالستی با بعضی از دوستان دست می‌داد و از هر



مبحث سخنانی می‌گذشت علی‌الخصوص در باب بعضی از قواعد علم تکسیر^۱ و ضوابط جفر جامع و خابیه شمسی و خافیه قمری و اسرار اعداد و وفق و کیفیت حرف و نقطه و خواص هر یک از این‌ها، و جمعی را در بعضی از این مباحث حرف و نقطه فکر به غلط می‌افتاد و رأی ایشان نه بر نهج صواب بود بنابراین واجب دید که رساله‌ای تألیف کند و از مباحث مذکوره و غیره سخنی چند مذکور سازد تا مبتدیان این علم را انموذجی کافی باشد»^۲.

روش کتابت جفر جامع

«کتابت جفر جامع بسیار بسیار پر فایده است و هر کس که متوجه آن می‌شود، می‌باید که از منهیات محترز باشد و در پاکی و طهارت کوشد و با وضو و طهارت کامل به امر کتابت مشغول شود و در نظرات سعد و ساعات سعیده و طوابع مسعود کتابت می‌کرده باشد تا فایده کلی برسد و این جفر در اصل ۲۸ جزو است، هر جزوی مشتمل بر ۲۸ صفحه و هر صفحه مبتنی بر ۲۸ سطر و هر سطر ۲۸ خانه است. و در هر خانه چهار حرف کتابت باید کرد به طریق عناصر اربعه^۳. و انموذج کتابت این است که نموده می‌شود... [در چهار خانه اول] سطر اول از جزو اول در صفحه اول [به ترتیب] چنین باید نوشت:

ا ا ا ا ا ا ب ا ا ج ا ا د

و همچنین خانه پنجم از سطر اول جزء اول در صفحه اول سه الف با حرف ه باید نوشت ا ا ه و در خانه ششم بعد از سه الف حرف و باید نوشت ا ا و و همچنین تا در خانه بیست و هشتم از سطر اول جزء اول در صفحه اول ا ا غ کتابت می‌شود. و سطر دوم از جزء اول در صفحه اول کتابت این است در [چهار خانه اول]... نموده می‌شود:

ا ب ا ا ب ب ا ب ج ا ب د

و همچنین تا خانه ۲۸ این سطر که این چهار حرف نوشته می‌شود ا ب غ... صفحه دوم از جزء اول چنین بنا باید نهاد که نموده می‌شود:

۱. در تکسیر که پایه‌ای‌ترین عمل در جفر است، حروف یکی از اسماء الهی را از هم جدا می‌کنند و بعد حروف اسم مطلوب را از هم جدا کرده میان حروف آن اسم جای می‌دهند و در یک سطر می‌نویسند [مثلاً «باطن» و «سعید» که به صورت «ب س ا ع ط ی ن د» درمی‌آید. پس از حذف حروف تکراری، آنچه باقی می‌ماند را «سطر زمام» می‌گویند. م]. سپس حروف را یکی در میان از اول و آخر سطر قبل برمی‌دارند و سطر دوم را تشکیل می‌دهند. این کار را تا زمانی که سطر اول مجدداً ظاهر شود، تکرار می‌کنند. از این سطرها نام‌های ملانکه و وردهای لازم برای خطاب کردن آن‌ها به دست می‌آید. خواندن این وردها را تا زمان تحقق هدف ادامه می‌دادند.

۲. برگ ۱پ از نسخه خطی مفاتیح المغالیک به شماره ۶۷۴۶ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م.

۳. بنابراین جفر جامعی که به طور کامل نوشته شده باشد ۷۸۴ صفحه با ۷۸۴ خانه و ۳،۱۳۶ حرف در هر صفحه است که جمعاً دارای ۸۷،۸۰۸ خانه و ۲،۴۵۸،۶۲۴ حرف می‌شود.

ابب ا اببب اببج اببج

و باقی کتابتس قیاس بر همین انموذج باید کرد و بر صاحب وقوف صاحب فهم چندان دشوار نخواهد بود ... خاصیت این کتابت آن است که جمیع اسماء الهی بر لغت و هر زبان و هر عبارت که باشد ... در این کتابت به تکسیر تام تمام می‌شود و فوائد کلی در ضمن آن هست و اگر صاحب دولتی را میسر شود که این کتابت را من اوله الی آخره به اتمام رساند به شروطی که ذکر کرده شد شک نیست که به مقصود دینی و دنیوی می‌رسد و انواع فتوحات صوری و معنوی او را دست خواهد داد.

کیفیت حساب این کتابت چنان است که من حیث التفصیل و الاجمال به سیر قمر منوط است اگرچه جامعیت جمیع کواکب سبعة سیاره دارد فخاصة شمس که آفتاب است فاما چون [جفر] در اصل ۲۸ جزو است و ۲۸ صفحه و ۲۸ سطر و ۲۸ خانه نسبتی تمام با قمر و منازل او دارد پس قاعده از روی اجمال هر جزوی به منزلی تعلق داشته باشد از منازل فلکی که به قمر منسوب است و صفحاتش به درجات آن و سطورش به دقایق آن و حروفش که در هر خانه واقع است به ثوانی او و باز همچنین مرتبه دیگر و صورت اجمالی صفحه اول از جزء اولش به منزل «شَرَطین» متعلق است که اول حمل است و اول دور از آن به حساب می‌آید و صفحه آخر از جزء اولش متعلق است به «رشا» که آخر حوت است پس بنابراین دوازده جزء اول از کتابت مذکور متعلق باشد به دوازده نوبت سیر قمر در منازل خودش که عبارت از ۳۳۶ شبانروز باشد تقریباً چنانچه اگر به حساب ماه گیرند یازده ماه و چند روز معین باشد»^۱.

نحوه اجرای دعوت فاتحة الكتاب

«بدان که بعضی از صاحبان این علم شریف آیات سبعة فاتحة الكتاب را به کواکب سبعة قسمت نموده‌اند و ابتدای تقسیم از زحل کرده به قمر اتمامش داده‌اند به ترتیب آیات و بعضی به عکس این رفته‌اند که آیه اول فاتحه به قمر داده‌اند و آیه آخرش را به زحل. بعضی دیگر به ترتیب ایام سبعة قرار داده‌اند و ابتدا از روز یکشنبه کرده‌اند که به آفتاب متعلق است و دوشنبه به ماه و سه‌شنبه به مریخ و چهارشنبه به عطارد و پنجشنبه به مشتری و روز جمعه به زهره و روز شنبه به زحل^۲ و آیات را مناسب هر کویکی به ایام مذکور قسمت ننموده‌اند بل به ترتیب و توالی پیش رفته‌اند و بعضی دیگر به ترتیب افلاک پیش رفته‌اند فلک شمس بنا نهاده اول سوره را به قسمت او

۱. برگ‌های ۱۴ و ۱۵ از نسخه خطی مفاتیح المغالیک به شماره ۲۱۸۵ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم. م
۲. نیز بنگرید به مقاله «تاریخچه نام روزهای هفته و تعطیل پایان هفته» در همین شماره میراث علمی. م

داده‌اند و آیه آخرش را به قسمت مریخ و از روی مناسبت آیات با کواکب سبعة پیش برده‌اند و این اتم از آن قسمت است زیرا که اسماء ملائکه و اعوان به کوکبی که متعلق است ذکر می‌باید نمود و به قسمت حروفات ابجدی در این دعوت به طریقه شیخ ابوالعباس احمد بونی نموده می‌شود که شیخ مذکور ابتدا به شمس کرده‌اند و در ترتیب کلمات ابجدی و اتمام آن را به مریخ دانسته^۱

شمس	ا ب ج د	زحل	ف ص ق ر
زهرة	ه و ز ح	مشتری	ش ت ث خ
عطارد	ط ی ک ل	مریخ	ذ ض ظ غ
قمر	م ن س ع		

طلسم زهره

«اگر کسی را بسته باشند طلسم زهره را در روز جمعه به ساعت اول به مشک و زعفران و گلاب بر جامی زجاجی نویسند و آن را با عرق بید [مشک] و غسل بشویند و در روز جمعه هنگامی که خطیب بر منبر باشد و به بسته شده بخوراند گشاده شود بامر الله تعالی. و اگر اطاعت شخصی خواهند طلسم زهره را به آب منی خود بر شکر قرص نویسند و به مطلوب بخوراند و اگر هنگامی که خطیب خطبه خواند در روز جمعه طلسم زهره را بر ورق آهو بنویسند به مشک و زعفران و عرق بید [مشک] و نوشته را در لفافه سبز پیچیده با خود دارند مغناطیس القلوب باشد»^۲.

کتابخانه ملی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۵

زبدة الأسرار

از میان آثار محمود دهدار زبدة الأسرار بیشترین تمرکز را بر سیمیای نجومی به خصوص عزائمی با نام سیارات دارد. ظاهراً دو روایت از این رساله موجود است. روایت اول چنان که از عنوان کاملش یعنی زبدة الأسرار و خلاصه الأذکار برمی‌آید متشکل از دو بخش است: زبدة الأسرار که حاوی مباحث نظری به نظم است و خلاصه الأذکار که شامل نمونه عزائم عربی به نثر است. نویسنده، در مقدمه، این اثر را به شاه اسماعیل دوم اهدا کرده است که در ۹۸۳ ق پس از مرگ طهماسب اول به حکومت رسید. قسمت عمده مقدمه به تحلیل علم حروفی نام شاه اسماعیل و پیشگویی حوادث تا

۱. برگ‌های ۶۶ و ۶۷ از نسخه خطی مفتاح المغالیک به شماره ۱۲۵۱۸ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م

۲. برگ ۱۳۰ از نسخه خطی مفتاح المغالیک به شماره ۲۱۸۵ در کتابخانه مدرسه فیضیه قم. م

سال ۱۰۰۰ق اختصاص دارد. چون دوره زمامداری اسماعیل دوم تنها کمی بیش از یک سال به طول انجامید این روایت از رساله باید به فاصله کوتاهی پس از به قدرت رسیدن او تألیف شده باشد. این اثر تحول هویت حکومت صفوی را در دوره طولانی زمامداری طهماسب اول نشان می‌دهد و نکته بسیار مهم این است که محمود دهمدار در این اثر به دنبال اثبات برابری وجودشناختی شاه اسماعیل و حضرت علی^(ع) بر پایه استدلالی مبتنی بر علم حروف بود. قزلباش‌ها پیش‌تر به اولین شاه صفوی که از نظر آن‌ها تجسم حضرت علی^(ع) بود، عمیقاً احترام می‌گذاشتند. نکته مهم دیگر این است که دهمدار اسماعیل دوم را به دلیل کارکرد جادویی حروف با نام «السمیع» خداوند برابر می‌انگارد. روایت دوم که کنز الرموز نام دارد، عبارات تقدیمی در مقدمه را ندارد، اما مابقی اثر با روایت اول یکسان است. این اثر شامل جدول‌های متعددی برای مراجعه اهل جفر، از قبیل تولید حروف از اصطکاکات فلکی و عبور سیارات، حروف در منازل سیارات، حروف منسوب به ارکان چهارگانه و غیره است. دو نسخه خطی این اثر^۱ همراه با نسخه‌ای از چکیده آن با عنوان خلاصة الأذکار^۲ در ایران وجود دارد.

تحلیل علم حروفی نام شاه اسماعیل دوم در زمان به سلطنت رسیدنش

فی مدح خاقان اعظم ابوالمظفر سلطان شاه اسماعیل بهادرخان

منجلی گشت نور حق ز کسوف	لله الحمد کز عطای رئوف
پرتو انداخت بر چهار طرف	آفتاب شهی ز بروج شرف
که از ویافت خسروی مرصد	پادشاهی نشست بر مسند
شاه جم جاه شاه اسماعیل	دری درج اولیای جلیل
درج در اسم اوست اسم علی	نور ذات وی از علیست جلی
عین با لام و یاست اسماعیل	گر تو خواهی برین رموز دلیل

توضیح رمز

عین ل ا م	یا	جمع الاعداد	اسماعیل	مالک الملک
۱۳۰	۷۱	۱۱	۲۱۲	۲۱۲

حرف این نام نزد اهل نظر	دهد از اسم السمیع خبر
عزت و پادشاهی این شاه	دور دال است از وفور اله

۱. مجلس ۳/۱۲۶۵۳، گ ۷۰-۱۳۹، مجلس ۷۳۷۳، ۵۰ برگ.

۲. مجلس ۱۶/۲۷۰۶، ص ۱۲۰-۱۶۴.

حرف حانیز از ره صفحات	می‌کند دولت ورا اثبات
این دو حرفند مشترک با جیم	از قرار شماره تقویم
همه را با الف بود در کار	دوره سیر و انتظام قرار
این به قانون منزل ما هست	داند این رمز هر که آگاه است
دوره ماه اگر تمامی یافت	ماه نواز سپهر شاهی تافت
گر مه بدر گشت پرده نشین	مهر تابان گرفته روی زمین
شاه طهماسب گر ز ملک جهان	شد بسوی سرای جاویدان
شکر کاین نسل برگزیده اوست	بل یقین نور هر دو دیده اوست
که چو خورشید جانشین مه است	بر سر تخت ملک پادشه است
دولتش برقرار باد مدام	همه کار جهانش باد بکام
تا جهانست پادشه باشد	دشمنش خاسر و تبه باشد ^۱

زبدة الأواح

زبدة الأواح اثری منشور است که به دستورالعمل‌های جادویی بر مبنای حروف مقطعه و دیگر نکات غریبه در علم جفر و اعداد می‌پردازد و شامل روش استخراج اسامی ملائکه و اجنه‌ای است که برای کتابت عزائم لازم است. پنج دستنوشته این اثر در ایران هست و دست‌کم دو چاپ سنگی از آن وجود دارد.^۲

دو عزیمه عربی حاوی نام ملائکه و اجنه

بسم الله الرحمن الرحيم. عزمت علیکم یا أرواح الطاهر المسخر المطیع بهذا اللوح الشریف یا عبائیل^۳ ویا سحائیل ویا عدائیل ویا عائیل ویا قمبائیل ویا ریحائیل بحق رئیسکم والحاکم علیکم وخلطائیل أن أجبیوا دعوتی وأمرؤا بهؤلاء الأعوان عجیوش سزیوش عهیوش سطیوش بقضاء حاجتی بحق الاسم الاعظم الم وبحق خالقکم وموجدکم وبارئکم بارک الله فیکم وعلیکم العجل الساعه الساعه الوحاه

۱. برگ‌های ۷۱ پ و ۷۲ ر از نسخه زبدة الأسرار به شماره ۱۲۶۵۳/۳ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م.
 ۲. (۱) کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۷۱۰/۱۰ برگ ۴۷ تا ۶۳؛ (۲) کتابخانه مرعشی به شماره ۱۱۹۶۲/۴ برگ ۳۸ تا ۵۴؛ (۳) کتابخانه مرعشی به شماره ۵۵۸۴/۳ برگ ۱۶ پشت تا ۶۰ رو؛ (۴) کتابخانه مرعشی به شماره ۷۶۰۶/۱ برگ ۷ پشت تا ۲۳ رو؛ (۵) کتابخانه مجلس به شماره ۱۲۶۵۳/۶ برگ ۱۸۱ پشت تا ۲۰۶ رو و دو چاپ سنگی [محمدخان] ملک الکتاب در بمبئی در سال‌های ۱۳۰۱ق/۱۸۸۳م و ۱۳۰۶ق/۱۸۸۹م.

۳. باید توجه کرد که در چنین عزائم پسوندها «نیل» به نام‌های ملائکه و «یوش» به نام‌های اجنه اضافه می‌شود.

الوحدان. و این عزیمت را ۷۱ نوبت به عدد اسم اعظم باید خواند^۱
و عزیمتی که در این ۱۴ روز باید خواند این است:

بسم الله الرحمن الرحيم. عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا الْارْوَاهُ الْمَوْكَلُونَ
بِالْأَلْفِ الْمَكْتُوبِ فِي لَوْحِ الْمَحْفُوظِ وَأَنْتُمْ مَطْلَعُونَ بِسَرِّهَا الْمَوْدِعِ فِيهَا اسْمَعُوا قَوْلِي
وَاجْبُوا دَعْوَتِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي بِحَقِّ جَمِيعِ الْأَلْفِ الْمَسْطُورِ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ
وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَجَمِيعِ الْكُتُبِ وَالْأَسْفَارِ الْمَنْزُولِ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الْمَقْطَعَاتِ الرَّكْهِيصِ طَسْ حَم ق ن بَارِكُ اللَّهُ فِيكُمْ وَعَلَيْكُمْ
وَسَرِّكُمْ اللَّهُ بِالْجَنَّةِ. و این عزیمت را ۹۹ نوبت بخواند و در امور تسخیر درین ۱۴
روز همه روز می باید خواند تا روحانیات مطیع شوند.^۲

عزیمه علم حروفی چهارده معصوم

بدان ای عزیز که هر گاه که در اول ماهی که وصف آن کرده شد کسی اراده دعوت نورانی کند باید
که چند شرط مرعی دارد و بعد از آن شروع کند^۳ و الا در این ۱۴ روز هر روز قبل از شروع در
خواندن عزیمت لوحی بنگارد که آن لوح مسمی به اسم یکی از این ۱۴ نفس نفیس بوده باشد و مدد از
روح پر فتوح ایشان طلبد زیرا که ایشان خازنان گنج علم الهی و وافقان اسرار غیب کماهی اند تا
روح بزرگوار ایشان مدد حال بوده باشد و خطری و ضرری واقع نشود اولاً روز اول توسل به روح
مطهر و قالب معطر حضرت خاتم النبیین و سید المرسلین محمد رسول الله نموده به یمن و تبرک
لوحی به اسم شریف آن بزرگوار به وفق قمر ترتیب دهد و به عدد وفق همان لوح صلوات به روح پر
فتوح حضرت ابوالقاسم و آل گرامش تحفه کند و این ورد صلوات در این ۱۴ روز به همین عدد
بخواند و روز ۲ لوحی به اسم حضرت اسدالله الغالب امیر المؤمنین و امام المتقین و یعسوب
الدین علی بن ابی طالب موفق سازد و روز ۳ به اسم علیا حضرت خیر النساء اعنی فاطمة الزهرا
ترتیب دهد. بدان که اسم علیا حضرت خیر النساء اعنی فاطمة الزهرا بدان نوشته شده که حضرت
امیر المؤمنین علمی که وضع فرموده اند که حکم از روی آن بر وقوع حوادث کنند تا آخر الزمان آن
را مصحف فاطمه نام کرده اند تا غافل نباشی فافهم. و ۱۱ روز دیگر هم چنین هر روز لوحی به اسم
یکی از ائمه موفق سازند تا حضرت مهدی صاحب الامر و این فقیر حقیر در این ماده سعی بلیغ
نموده و الواح مذکوره را به نوعی استخراج نموده و موفق ساخته که تا غایت کسی بدین طریق عمل



۱. برگ ۱۸۶ پ از نسخه زبده الألواح به شماره ۱۲۶۵۳/۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م
۲. برگ ۱۸۸ از نسخه زبده الألواح به شماره ۱۲۶۵۳/۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م
۳. دعوت نورانی با ۱۴ حرف مقطعه است. ۱۴ حرف دیگر الفبای عربی ظلمانی نامیده می شوند.

نموده و این از جمله ملهمات غیبی است و از ملاحظه اوقات معلوم می‌شود که بی رابطه فیض ازلی اینچنین عملی میسر نیست و فقیر براین است که تا غایت استادان این علم این نوع عمل نکرده باشند می‌تواند بود علی ای حال بدین لطافت نخواهد بود.^۱

اسماء الله و جادوی ملائکه بر مبنای جفر و حروف مقطعه

اسماء عظام که ذکر خواهد شد خواص بسیار است و جهت هر حاجت اگر کسی بخواند و تکسیر کند و با خود دارد بسیار بسیار نیکوست. اول جهت گرسنگی اسم «صمد» و «مقیمت» باید خواند که دفع گرسنگی می‌کند و آن قدر که قدرت داشته باشد باید خواند و اگر به قواعد مقرر که از جمل حسابی بیرون نباشد بخواند غالباً بهتر است و اگر تکسیرش و وقفش بنگارد هم از آن اعلاست. دیگر جهت هدایت و رشد اسم «هادی» و «رشید» بخواند به همان قاعده که در آن دو اسم پیشتر ذکر کرده شد بسیار مفید است اما به شرایط مذکوره. دیگر جهت دفع فقر اسم «غنی» و «مغنی» بسیار مفید است دیگر جهت ضعف بدن و ماندگی اسم «قوی» و «متین» به همان قاعده که از پیش ذکر آن رفته به عمل آورد که فایده بسیار می‌دهد و دیگر جهت دفع مذلت و خواری اسم «عزیز» و «عظیم» به عمل آورد که فایده بسیار می‌دهد و مجرب است دیگر جهت دفع قبض و بستگی خاطر اسم «لطیف» و «واسع» به عمل آورد و دیگر جهت محبت و وداد اسم «قادر» و «ودود» به عمل آورد و دیگر جهت غلبه بر اعدا اسم «علیم» و «محصی» به عمل آورد و دیگر جهت ثبات و صبر در هر کار اسم «شافی» و «معافی» به عمل آورد و غرض از عمل آن است که به هر نوع که تواند تکسیر اسمای مذکوره بنماید و وقفش بنگارد و عددش مرتب دارد که در خواندن مقرر زیاده و کم نخواند و بخور بسوزاند و مقید به ساعات مناسب بوده باشد و اگر نظر سعدین باشد بهتر است به همه حال در روز خوب و ساعات مناسب و طالع سعد و خوشحالی نیرین^۲ عمل باید کرد تا اثر از آن ظاهر شود. و از برای هر عملی غالباً بر عامل صاحب وقوف پوشیده نخواهد بود که در چه ساعت و چه طالع و چه نظر اولاست اگر به تفصیل آن شروع برود از مقصود بازمانیم و این مختصر گنجایش آن ندارد و حالیا شرحی که از پیش رفته بود و تفصیل آن هم گذشت اکنون شروع در لوح ۱۴ در ۱۴ کنیم که وعده گذشته و هنوز مقطعات به اسماء الهی که از آن حروف مع بینات^۳ مرکب است و شرحش از پیش ذکر نشده بلی یک حرف «با» که مفتاح بسم الله الرحمن الرحیم

۱. برگ‌های ۱۹۲ پ و ۱۹۳ از نسخه زبدة الألواح به شماره ۱۲۶۵۳/۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م

۲. خوشحالی خورشید در اسد و خوشحالی ماه در سرطان است.

۳. در حین عمل تکسیر که مستلزم جدا کردن حروف یک اسم یا لغت و نوشتن اسم کامل هر حرف و بعد حذف حروف مکرر آن است (مثلاً احمد ← الف حامیم دال ← الف ح می دل)، به اولین حرف اسامی کامل حروف اصطلاحاً زُبُر گفته می‌شود (در این مثال، «ا» در الف [و «ح» در حا]) و به باقی حروف بینات (مثلاً «لف» در الف [و «ا» در حا]).

است در این اسماء الهی داخل است زیرا که بسم الله الرحمن الرحیم در اصل ده حرف است بلا تکرار و یک حرف فاتحه‌اش «با» است که داخل حروف نورانی نیست و باقی حروف نورانی است و تعمداً این حروف داخل شده تا از فایده بسم الله الرحمن الرحیم که فاتحه کلام حق تعالی است خالی نباشد و صورت لوح این است:

الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	یوه	عالی	طیب	سمیع	حاکم	قیوم	نافع
لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	الله	یوه	عالی	طیب	سمیع	حاکم	قیوم
ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	لطیف	الله	یوه	عالی	طیب	سمیع	حاکم
صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	ملک	لطیف	الله	یوه	عالی	طیب	سمیع
رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	صفی	ملک	لطیف	الله	یوه	عالی	طیب
کریم	هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طیب	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله	یوه	عالی
هادی	نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طیب	عالی	کریم	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله	یوه
نافع	قیوم	حاکم	سمیع	طیب	عالی	یوه	هادی	کریم	رحیم	صفی	ملک	لطیف	الله
یوه	الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	عالی	طیب	سمیع	حاکم	قیوم	نافع	هادی
عالی	یوه	الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	سمیع	طیب	کریم
طیب	عالی	یوه	الله	لطیف	ملک	صفی	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	سمیع	طیب
سمیع	طیب	عالی	یوه	الله	لطیف	ملک	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	سمیع	طیب
حاکم	سمیع	طیب	عالی	یوه	الله	لطیف	رحیم	کریم	هادی	نافع	قیوم	سمیع	طیب
قیوم	حاکم	سمیع	طیب	عالی	یوه	الله	هادی	کریم	رحیم	صفی	ملک	لطیف	کریم



بدان که مفتاح این چهارده اسم چهارده حرف نورانی است و آن این است ال م ص ر ک ه ی ع ط س ح ق ن بینات این حروف بلا تکرار این است «ف» و دو عدد حروف بینات «ج» و از حروف بسم الله «ب» و ترکیب این ۱۴ اسم از این حروف است اما شرحی دیگر در خواص کتابت حروف نورانی ذکر کرده می‌شود که هر گاه عامل صاحب وقوف اراده دعوت این حروف داشته باشد بعد از قواعدی که پیش از این ذکر آن رفت از ایام ریاضت و دعوت و الواح که در ایامی که قمر زاید النور است به فعل آورده باشد شروع کند در کتابت این حروف نورانی و در ۱۴ روز اول ماه که قمر زاید النور است به فعل آورده باشد شروع کند در کتابت این حروف نورانی و در ۱۴ روز اول ماه که قمر زاید النور است هر روز ۱۴ صفحه از حروف نورانی کتابت کند به قاعده تکسیر جفر جامع چنانچه در ۱۴ روز ۱۴ صفحه کتابت کرده می‌شود و قاعده کتابتش مثلاً روز اول حرف الف است از صفحه اول و دوم و سیومش این است و باقی تا سطر ۱۴ بر عامل صاحب وقوف مخفی نخواهد بود:

ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا	ااا
الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا	الا
اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما	اما



الان	الاق	الاح	الاس	الاط	الاع	الای	الاه	الاک	الار	الاص	الام	الال	الالا
اللدن	اللق	الاح	اللس	اللط	اللع	اللی	الله	اللك	الدر	اللدص	الدم	اللدل	اللا
المن	المق	المح	المس	المط	المع	المی	المه	المک	المر	المص	المم	المل	الم

و از صفحهٔ سیم تا ۱۴ که در روز اول کتابت باید کرد و بر عامل صاحب وقوف ظاهر است و از نمودار هویدا است و روز دوم حرف لام است و ۱۴ صفحه باید نگاشت چنانچه از صفحهٔ اول در روز دوم که حرف لام است سطر اول و دوم و رسمش این است و تا چهارده سطر بر عامل ظاهر است:

لان	لاق	لاح	لاس	لاط	لاع	لای	لاه	لاک	لار	لاص	لام	لال	لالا
لدن	لق	لح	لس	لط	لع	لی	له	لك	در	لدص	دم	لدل	لا
لن	لمق	لمح	لمس	لمط	لمع	لمی	لمه	لمک	لمر	لمص	لمم	لمل	لم

و از صفحهٔ دوم در روز دوم که تکسیر حرف لام می‌کند سطر اول و دوم و سومش این است و تا چهارده سطر بر عامل ظاهر است:

للان	للاق	للاح	لاس	لاط	لاع	لای	لاه	لاک	لار	لاص	لام	لال	لالا
لدن	لق	لح	لس	لط	لع	لی	له	لك	در	لدص	دم	لدل	لا
لن	لمق	لمح	لمس	لمط	لمع	لمی	لمه	لمک	لمر	لمص	لمم	لمل	لم

و همچنین حروفات باقی را هر روز یک حرف در ۱۴ صفحه چنانچه ظاهر شد کتابت باید کرد چنانچه در روز ۱۴ که قمر کامل النور است ۱۴ صفحه کتابت شده باشد و دعوت این کتاب به دستوری است که مرقوم می‌گردد. اولاً صوم و خلوت و ذکر و ذکر و بخور و ترک اکل حیوانی و ثانیاً مراعات وقت کتابت که در ساعات سعیده باشد مثل ساعت مشتری و قمر و زهره و قمر و شمس ثالثاً استخراج عزیمت از صفحهٔ اول از صفحات هر روزه که کتابت می‌کند. رابعاً مداومت اسمی چند از اسماء الهی که از صفحات کتابت هر روزه چهره می‌گشاید که ملاحظه کند مثلاً که در روز اول که کتابت ۱۴ صفحه می‌کند چند اسم از اسماء الهی در آن صفحات چهره گشوده و آن اسماء به عدد جمل چند است به همان عدد مجموع این اسماء را در همان روز بخواند و در هنگام عزیمت خواندن باید که آن اسماء را قسم عزیمت سازد. خامساً آن که افطار به غذای حلال کند و با مردم مختلط نباشد و از خلوت بیرون نیاید مگر به وقت ضرورت. سادساً آن که چون در ۱۴ روز شهر رجب که این کتابت کرد در ۱۴ روز شهر شعبان هم حروفات نورانی را هر روز آن مقدار که ممکنش باشد تکسیر صدر و مؤخر^۱ کند و در ۱۴ روز شهر رمضان نیز هم چنین و قاعده تکسیر صدر و مؤخر این حروفات این است:

۱. یعنی تنظیم مجدد حروف یک سطر با برداشتن حروف از ابتدا و انتهای آن سطر و کنار هم گذاشتن آنها مثلاً الفدمی بنو ← اولن فبمی.

ا	ل	م	ص	ر	ک	ه	ی	ع	ط	س	ح	ق	ن
ن	ا	ق	ل	ح	م	س	ص	ط	ر	ع	ک	ی	ه
ه	ن	ی	ا	ک	ن	ع	ل	ر	ح	ط	م	ص	س
س	ه	ص	ن	م	ی	ط	ا	ح	ک	ر	ق	ل	ع
ع	س	ل	ه	ق	ص	ر	ن	ک	م	ح	ی	ا	ط
ط	ع	ا	س	ی	ل	ح	ه	م	ق	ک	ص	ن	ر
ر	ط	ن	ع	ص	ا	ک	س	ق	ی	م	ل	ه	ح
ح	ر	ه	ط	ل	ن	م	ع	ی	ص	ق	ا	س	ک
ک	ح	س	ر	ا	ه	ق	ط	ص	ل	ی	ن	ع	م
م	ک	ع	ح	ن	س	ی	ر	ل	ا	ص	ه	ط	ق
ق	م	ط	ک	ه	ع	ص	ح	ا	ن	ل	س	ر	ی
ی	ق	ر	م	س	ط	ل	ک	ن	ه	ا	ع	ح	ص
ص	ی	ح	ق	ع	ر	ا	م	ه	س	ن	ط	ک	ل
ل	ص	ک	ی	ط	ح	ن	ق	س	ع	ه	ر	م	ا



و بعد از آن که این صفحه تمام شد حرف صدر این صفحه برداشته زمامی سازد و تکسیر کند به قاعده مقرر تا سطر اول باز آید و بعد از آن از صفحه دویم باز صدر برداشته زمامی سازد و صفحه دیگر تکسیر کند هم چنین تکسیر می کند تا به صفحه ای رسد که صدرش زمام صفحه اول بود و این تکسیر بسیار می توان کرد خواه منصوب و خواه مقلوب^۱ غرض که در دو ماه بعد از ماه اول در ۱۴ روز زاید النور این تکسیر می باید کرد و اگر هم چنین هر روز ۱۴ صفحه از این تکسیر کند ممکن است زیرا که می توان سابقاً آن که ده روز قبل از شهر رجب تارک حیوانی می باید بود و صایم و ابتدا خلوت می باید کرد تا تمام سه ماه بگذرد که ۹۹ روز باشد و این دولت وقتی میسر است که در این ۳ ماه در شبهای نورانی که قمر زاید النور است و به منزل طریقه^۲ و برج عقرب نباشد زیرا که ملاحظه از لوازم است و مادامی که بدین شرایط عمل کرده باشد در هر عملی از اعمال که خواهد که تصرف کند به اسهل وجهی تواند کرد از

۱. یعنی خواندن حروف یک سطر از راست به چپ یا از چپ به راست.

۲. که نزد منجمین طریقه محترقه نیز شناخته می شود «مدت طی کردن قمر مسافت این پانزده درجه از نوزدهم درجه میزان که محل هبوط شمس است تا سوم درجه عقرب که محل هبوط قمر است. [این مدت را که تقریباً یک شبانه روز و دو بهر باشد ... به غایت منحوس است] (لغت نامه دهخدا، ذیل واژه).

برای آنکه عامل روحانیات حروف در تحت تسخیر وی در آمده‌اند و قاعده استخراج عزیمت بدین نوع است که مثلاً روز اول که کتابت حرف الف می‌کند و در این صفحات ۱۴ گانه اسم الله و اکرم و اعلیٰ چهره گشوده اول حرف الف را بسط کند به دستوری که مرقوم می‌گردد و ملائکه او را استخراج کند و بعد از آن او را دعوت کند بدین طریقه مرتبه اول از حرف الف «ا» مرتبه ثانی «الف» مرتبه ثالث «الف‌ام‌فا» جمعها ۱۲ حرف است «اح، اد، ث‌لاثی‌ن، ث‌مان‌ی‌ن، احد، ث‌لاثی‌ن، ث‌مان‌ی‌ن، ث‌لاثی‌ن، احد، اربع‌ی‌ن، ث‌مان‌ی‌ن، احد» پس این حروفات را شماره کند و این حروف ۳۹ حرف است پس این ۳۹ حرف را در ۱۲ حرف ۲ مرتبه ضرب کنند و حاصل الضرب را گیرند مثلاً ۳۹ در ۱۲ ضرب کردیم حاصل الضرب این است ۴۶۸ و استنطاقش این است ث‌س‌ح و ملائکه‌اش این است تسحائیل چنانچه ائیل از خارج داخل شود و بعضی برآند که ۲۹ حرف را در ۲۹ حرف ضرب باید کرد که حاصل الضرب را به حرف برند و ائیل اضافه کنند و این به قاعده الواح جواهر است و درست است فاما این هم قاعده‌ای است معقول مضبوط و بعضی دیگر برآند که عدد ائیل از حاصل الضرب کم باید نمود که باقی به حروف برند و ائیل اضافه ملک حروف سازند و این هم از قاعده استادان است و بعضی برآند که ملک حرف جبرئیل است و به قاعده‌ای که مصنف نوادر الاسرار بیان نموده علی حده است غرض که طرق مختلف در این امر بسیار است و به هر کدام که عمل کند درست است فاما در این مختصر به قاعده‌ای که در اول در بسط حرف الف نموده شد عمل باید کرد و بواقی حروف را در هر روز به همین طریق باید نوشت و عزیمت چنین باید خواند که بسم الله الرحمن الرحیم اُجِبْ یا تسحائیل أنت وخدامک سامعاً مطیعاً لِقضاء حوائجی کذا و کذا بحق «الر کهی‌عص طس حم ق ن» و بحق الله الأکرم الأحرم الأکمل الأعلیٰ باریک الله فیک وعلیک. و این عزیمت را ۹۹ نوبت باید خواند و هر روزه عدد خواندن عزیمت این است و قسمش همان مقطعات قرآنی و اسمی که در صفحات یومی چهره گشاید اسم ملک به قاعده‌ای است که در الف گفته شد از حروف باقی لوح استخراج باید کرد اما بعضی از استادان چنین مقرر داشته‌اند که اسمی که استخراج کنند آن را به الفاظ متنوعه ذکر باید کرد چنانچه اسم اول که استخراج شده اولش این باشد «تسحائیل» و ثانی «تسحائیل» بر عکس اول و ثالث حرف مآت ساقط کنند و «سحائیل» گوید و رابعش حرف عشرات ساقط کرده حرف آحادش را اگر مجرد توان خواند بخواند مثل «حائیل» و اگر خواهد که به یک دو حرف خوانده شود چنین باید «اجدائیل» با هر ترکیب که خواهد به شرط آن که آن ترکیب عدد همان حرف مفرد باشد که مانده مثلاً در این عمل حرف مفرد آحادی «حا» بود که جملش این است: ۸. این عدد ۸ را به این کلمه تواند خواند «اجدائیل» و به این کلمه هم تواند خواند که

«بوائیل» و به این کلمه هم تواند خواند که «ازائیل» غرض که به یکی از این کلمات اکتفا باید کرد نه آن که به همه بخواند مادامی که عمل چنین کند عزیمت چنین باید خواند بعد از بسمله که عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمَوَكَّلِينَ بِالْحَرْفِ الْأَلْفِ الْمَسْطُورِ فِي الْكُتُبِ السَّمَاوِيَةِ أَجْبِئُوا يَا تَسْحَائِيلَ يَا حَسَائِيلَ وَيَا سَحَائِيلَ وَيَا حَائِيلَ وَ مَمَكْنِ اسْتِ كِه بَر جَاي حَائِيلِ كَلِمَةُ اجْدَائِيلِ بگويد يا کلمه ای دیگر که شامل همین عدد باشد انتم وأعوانکم سامعاً مطيعاً لقضاء حوائجی کذا وكذا بحق «الر کھيعص طی حم ق ن» وبحق الأسماء العظام اللہ الأکرم الأرحم الأکمل الأعلى بارک اللہ فيکم وعليکم.^۱



۱. برگ‌های ۱۹۹ تا ۲۰۳ پ از نسخه زبده الألواح به شماره ۱۲۶۵۳/۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی. م